



Journal of Comparative Exegetic Researches
Volume 5, No. 1, Spring & Summer 2019, Issue 9 (pp. 111-126)
DOI: 10.22091/ptt.2019.3463.1400

پژوهش‌های تفسیر تطبیقی

سال چهارم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۸، شماره پیاپی ۹ (صفحات ۱۱۱-۱۲۶)

Evil Eye in Sunni and Shi'ite Exegeses

Reza Baqizadeh Palami¹

Received: 10/8/2018 | Accepted: 2/11/2018

Abstract

One of the questions propounded in the society is whether the evil eye is factual or imaginary. This study aims to review the evil eye from Sunni and Shi'ite perspectives. Since many people are concerned with this issue, it seems essential to discuss and analyze this subject. This research has been accomplished by descriptive analysis and data collection through library method and note taking. The results of the study show that according to what has been stated in Sunni and Shi'ite exegetical books, the evil eye is not only superstition but also it is confirmed by some verses in the Qur'an and various narrations. It means that some people have a sort of power which is supernaturally effective; and the extent of which depends on those people. Moreover, some guidelines have been suggested to ward off and dispel this negative energy.

Keywords: Eye, Evil Eye, Exegeses, Shi'ite, Sunni, Shi'ite and Sunni

¹ Assistant Professor, Islamic Azad University (Ashtian Branch) | Reza.baghizadeh@gmail.com



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



چشم زخم در تفاسیر فریقین

رضا باقی زاده پلامی^۱

تاریخ ارسال: ۹۷/۰۵/۱۹ | تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۱۱

چکیده

از جمله پرسش‌های مطرح در جامعه، بحث واقعی بودن یا خیالی بودن چشم زخم است. در این تحقیق، چشم زخم از دیدگاه تفاسیر فریقین بررسی شده است. از آنجاکه بسیاری از مردم با آن درگیر هستند، بحث و بررسی درباره ضروری است. این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی، و در جمع آوری مطالب با روش کتابخانه‌ای و از طریق فیش برداری به سامان رسیده است. در پایان، این پژوهش به این نتیجه رسیده است که: باتوجه به آنچه در تفاسیر فریقین آمده است، چشم زخم نه تنها خرافه نیست؛ بلکه آیاتی از قرآن و روایات بی شماری آن را تأیید می کند، یعنی قدرتی در افراد وجود دارد که تأثیرگذار است و اندازه تأثیر گذاری بستگی به افراد دارد و راه‌هایی برای رفع و دفع آن نیز سفارش شده است.

واژگان کلیدی: چشم، چشم زخم، تفاسیر، شیعه، اهل سنت، فریقین.

۱. طرح مسئله

یکی از رایج‌ترین باورهایی که از دیرباز، ذهن جوامع بشری را به خود مشغول ساخته، نیروی مرموز و قدرتمند چشم است که از آن به «چشم زخم» و یا چشم زدن یاد می‌شود و در عربی به آن «العین» می‌گویند. اکنون پرسش این است که آیا چشم زخم واقعیت دارد یا جزء خرافات است؟ اگرچه برخی معتقدند این مسئله جزء خرافات است، اما براساس آنچه در آیات قرآن و روایات بدان اشاره شده، این است که: چشم زخم واقعیت داشته و مورد توجه مردم قرار می‌گیرد. رسول اکرم ﷺ در روایتی در این باره می‌فرماید:

«چشم زخم حقیقت دارد و حتی کوه‌ها را به زیر می‌کشاند» (احمد بن حنبل، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ۲۷۴). برخی می‌گویند: اعتقاد به چشم زخم با این صورت مخصوص که در ایران وجود دارد، از تأثیر اسلام و اعراب وارد شده است (مصاحب، ۱۳۸۰، ۱، ۸۵۱). در این مقاله چشم زخم از دیدگاه تفاسیر شیعه و اهل سنت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. مفهوم‌شناسی و مبادی بحث

۲-۱. مفهوم‌شناسی: چشم زخم

در عربی، چشم زدن را العین، الاصابه بالعین، العین اللامه، عین الکمال، الازلاق بالابصار و ... دیگر گویند. «چشم زن» را عاین و اگر چشم شور یا چشم زن، حرفه‌ای همیشگی باشد عیان، معیان و عیون، و «چشم رسیده» یا «نظر خورده» را معین و معیون گویند (حاج سید جواد، ۱۳۹۱، ج ۵، ۵۶۵). چشم زخم، نیروی مرموزی است که در چشم برخی انسان‌ها وجود دارد که ممکن است با یک نگاه مخصوص طرف مقابل را بیمار یا هلاک کند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۲۴، ۴۲). و نیز گفته شده است: «آزار و نقصانی است که به سبب دیدن بعضی از مردم و تعریف کردن آنها از کسی و چیزی را چشم زخم می‌گویند (برهان، ۱۳۵۷، ج ۲، ۶۴۰). برخی، تصرفات چشم را از اقسام سحر و جادو می‌دانند و معتقدند، اگر آسیب‌زا و زیان‌بار باشد، از آن به چشم زخم یاد می‌شود؛ یعنی چشم زخم همان آسیبی است که چشم بد به کسی می‌زند. کسی را که گمان می‌رود چشمش چنین تأثیری دارد؛ بدچشم، شور چشم، نظر دادن، نظر رساندن و امثال آن تعبیر می‌کنند (مصاحب، ۱۳۸۰، ۱، ۸۵۱). علامه طبرسی درباره چگونگی اثرگذاری چشم زخم از «عمرو بن جاحظ» آورده است:

«این واقعیت قابل انکار نیست که از چشم‌های شور یا بد پاره‌ای اجزای غیرمرئی جدا می‌گردد و در دیگران اثر می‌گذارد و این خاصیتی است که، همانند خاصیت‌های دیگری که در دیگر پدیده‌ها موجود است، در این گونه چشم‌ها یافت می‌شود» (طبرسی، بی‌تا، ۵: ۲۴۹). برخی در رد آن گفته‌اند: «اولاً: اگر چنین است چرا در همه چیز اثر نمی‌گذارد و تنها در پاره‌ای از موارد چنین اثری دارد؟ ثانیاً: همه اجزای این جهان از «جوهر» است و جوهر در پدیده‌ای همانند خود اثر نمی‌گذارد تا در برخی چشم‌ها این اثرگذاری را بپذیریم» (همان). از *ابوهاشم* در این باره نقل شده که می‌گوید: «اثرگذاری چشم، کار خداست که براساس برخی از مصالح که برای ما روشن نیست آن را مؤثر قرار داده است» (همان). سید شریف رضی نیز در این باره می‌گوید: «آفریدگار هستی براساس مصالحی که خود می‌داند با بندگانش رفتار می‌کند. از این رو، ناممکن نیست که دگرگونی نعمت در زندگی فردی برای دیگران دارای مصلحت باشد و از آنجایی که خدا از وضع و حال نفر دوم آگاه است که اگر نعمت نفر اول را نگیرد، این نفر دوم روی به دنیا و ارزش‌های مادی آورده و از آخرت و ارزش‌های معنوی دور می‌گردد و نیز، اگر آن نعمت را از نفر اول بگیرد در آخرت یا زودتر از آن به گونه‌ای آن را جبران می‌کند. از این رو ممکن است، روایت رسیده که پیامبر ﷺ فرمود: چشم‌زخم حق است را به همین معنا تفسیر و تأویل نمود و گفت چشم‌زخم اثر می‌گذارد (همان). علامه طبرسی نیز می‌گوید: در روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: هنگامی که چیزی در نظر بندگان خدا بزرگ جلوه کند، خدا از ارزش و منزلت آن می‌کاهد و آن را حقیر می‌شمارد. از این روی، پاره‌ای از چیزها در اثر نگاه برخی از مردم دگرگون و سبب دگرگونی وضعیت در آنها شود. به همین جهت است که در روایت دیگری است که: اگر چیزی به چشم انسان خوش جلوه کرد و چشمگیر شد، آن را در پناه خدا قرار دهند تا جلوی دگرگونی آن حالت را بگیرند (همان). علامه طباطبایی می‌گوید: «نفس نگاه‌کننده اثر می‌گذارد نه خود چشم» (علامه طباطبایی، ۱۳۸۲، ۴۲۲). علامه در ادامه مطلب می‌گوید: یک آدم خوبی نگاه به دو درخت کرد و گفت: عجب درخت‌هایی! هر دو درخت خشک شدند» (همان، ۴۲۳). منظور علامه این است که چشم‌زدن ربطی به خوبی یا بدی اشخاص ندارد.

۲-۲. مبادی بحث چشم‌زخم در روایات

درباره چشم‌زخم، روایات بسیاری وارد شده است که در اینجا به چند نمونه اشاره می‌شود:

رسول خدا ﷺ فرمود: «ان العين حق والعین تستنزله الحلق؛ چشم زخم حق است و چشم، زمین بلند را پست می‌کند» (احمد بن حنبل، ۱۴۱۳ق، ج ۲۴۷، ۱). در جای دیگر فرمود: «بیشتر مردگان از امت من بعد از قضا و قدر خداوندی با چشم‌زخم است» (سیوطی، بی‌تا، ج ۶، ۲۵۸). و نیز فرمود: «چشم‌زخم واقعیت دارد و مرد را وارد قبر و شتر را وارد دیگ می‌کند» (مجلسی ۱۳۶۵، ج ۶۳، ۲۶). کنایه از اینکه، شتر با چشم‌زخم مریض می‌شود و صاحبش از ترس تلف شدنش آن را کشته و گوشت آن را برای طبخ درون دیگ قرار می‌دهد. روزی پیامبر ﷺ از قبرستان بقیع عبور می‌کردند، فرمودند: «به خدا قسم! بیشتر اهل این قبرستان به سبب چشم‌زخم در اینجا آرمیده‌اند» (کاشانی، ۱۳۴۴، ج ۶، ۳۹۱). و نیز از آن حضرت روایت شده که «جُغد تأثیری ندارد (جغد شوم نیست) و آن چیزی که تأثیر دارد، چشم‌زخم است» (ابی عیسی، ۱۴۲۱، ۱۹). در جای دیگر فرمود: «چشم‌زخم حقیقت دارد و حتی قلّه کوه‌ها را به زیر می‌کشاند» (احمد بن حنبل، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ۲۷۴). از مجموع این روایات استفاده می‌شود که چشم‌زخم واقعیت دارد و مورد تأیید پیامبر ﷺ و اهل بیت (ع) بوده است.

۳. واقعیت چشم‌زخم در نگاه تفاسیر فریقین

در اینجا لازم است به دلایل واقعی بودن چشم‌زخم از نگاه تفاسیر فریقین پرداخته شود.

آیه ۵۱ و ۵۲ سوره قلم

یکی از آیاتی که برخی از مفسران درباره چشم‌زخم به آن تمسک جسته‌اند، آیه ۵۱ و ۵۲ سوره قلم است؛ آنجا که خداوند می‌فرماید:

«وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ * وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ؛ «و آنان که کافر شدند، چون قرآن را شنیدند، چیزی نمانده بود که تو را

چشم بزنند، و می گفتند: «واقعاً دیوانه‌ای است» و حال آنکه (قرآن) جز تذکره‌ای برای جهانیان نیست».

در لسان‌العرب آمده است: واژه «زلق» به معنای لغزیدن است و لغزیدن به چشم؛ یعنی اینکه تو را با چشمانشان آزار رسانند و تو را از مقامی که داری بلغزانند (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۷۰).

در مورد شأن نزول آیه، بعضی از مفسران نقل کرده‌اند که: در قبیلۀ «بنی‌اسد» افرادی بودند که قدرت چشم‌زخم داشتند و عده‌ای از آنها می‌خواستند تا پیامبر ﷺ را چشم‌زخم بزنند که آیه بالا به این مناسبت نازل شد (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۲۱۵). قول دیگر در شأن نزول این آیه آمده است که: روزی رسول خدا ﷺ در مسجد مشغول تلاوت قرآن بود که جماعتی کنار در مسجد ایستاده و انتظار خارج شدن ایشان را داشتند تا با قدرت چشم خود به آن حضرت ضربه بزنند. جبرئیل با آوردن این آیه، حضرت را باخبر کرد و آن بزرگوار با خواندن این آیه از مسجد باسلامت خارج شدند (جوادی آملی، ۱۳۷۹). طبرسی می‌نویسد: «مفسران بر این عقیده هستند که مقصود آیه، چشم‌زخم است» (طبرسی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۳۴۱). علامه طباطبایی، که یک فیلسوف خردگرا و خردورز است، در ذیل این آیه می‌نویسد: «چشم‌زدن نوعی از تأثیرات نفسانی است و دلیل عقلی بر نفی آن نداریم؛ بلکه حوادثی دیده شده که با چشم‌زدن منطبق هست و روایاتی هم بر طبق آن وارد شده، پس جای انکار نیست» (طباطبایی، ۱۳۹۱، ج ۱۹، ص ۳۸۸). بخاری از ابن عباس روایت کرده که رسول خدا ﷺ در تفسیر این آیه فرمود: «مسئله چشم‌زخم حق است» (سیوطی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۵۸).

در تفسیر جلالین ذیل این آیه آمده است: «منظور از «لَيَرْقُوَنَّكَ بِأَبْصَارِهِمْ»، این است که: ای پیامبر! به شما با نظر شدید نگاه می‌کنند و نزدیک است که شما را به زمین بیفکنند و از جایی که هستی، شما را ساقط کنند» (محلّی و سیوطی، ۱۴۲۸، ص ۵۶۶).

برخی معتقدند، این آیه کنایه از نگاه‌های بسیار غضب‌آلود است؛ مثل اینکه می‌گوییم فلانی آن چنان به من نگاه کرد که انگار با نگاهش می‌خواست من را بخورد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۹، ج ۲۴، ص ۴۲۵).

آیه ۶۷ سوره یوسف

خداوند می‌فرماید: «وَقَالَ يَا بَنِي لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي

عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا إِلَهُهُ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ؛ و گفت: ای پسران من! (همه) از یک دروازه (به شهر) در نیاید؛ بلکه از دروازه‌های مختلف وارد شوید، و من (با این سفارش) چیزی از (قضای) خدا را از شما دور نمی‌توانم داشت. فرمان جز برای خدا نیست. بر او توکل کردم، و توکل کنندگان باید بر او توکل کنند».

گروهی از مفسران شیعه و اهل سنت معتقدند: اگرچه برادران یوسف مانند او زیبا نبودند، ولی دارای جمال و هیبت و قامت‌هایی رشید بودند، و پدر نگران بود که جمعیت یازده نفری، که قیافه‌های آنان نشان می‌داد از یک کشور به مصر آمده‌اند، توجه مردم را به خود جلب کنند و او نمی‌خواست از این راه چشم‌زخمی به آنها برسد؛ یعنی آن حضرت ترس چشم‌زخم به فرزندان خود را داشت (طبرسی، ۱۳۷۱، ج ۲، ۲۰۰؛ طبرسی، بی‌تا، ج ۵، ۲۴۹؛ طبری، ۱۳۴۰، ج ۳، ۷۹۱؛ زمخشری، بی‌تا، ج ۲، ۴۸۸؛ قرطبی، ۱۳۸۷، ج ۹، ۲۲۶؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ۲۹ و ۳۰).

فخر رازی این ترس حضرت یعقوب را از جمهور مفسران نقل می‌کند (فخر رازی، ۱۳۵۷، ج ۱۸، ۱۷۲). علامه طباطبایی ترس از چشم‌زخم را به یک قول ضعیف نسبت می‌دهد و در این زمینه می‌گوید: «انما كان يخاف عليهم ان يراهم الناس فيصيبهم عين علي ما قيل» (طباطبایی، ۱۳۹۱، ج ۱۱، ۲۱۸). علامه مجلسی نیز سفارش حضرت یعقوب را به علت ترس از چشم‌زخم می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۳، ۱۷).

علامه طبرسی در ذیل آیه، درباره چشم‌زخم بحث کرده و می‌گوید: برخی چشم‌زخم را انکار کرده‌اند، چون معتقدند با دلیل ثابت نشده است؛ اما وی، از بسیاری از محققان نقل می‌کند که چشم‌زخم را قبول دارند و روایات بسیاری را درباره حق بودن چشم‌زخم آورده است. سپس می‌گوید: چشم‌زخم در چشم‌های مختلف، مختلف است و شدت و ضعف دارد (طبرسی، بی‌تا، ج ۵، ۲۴۹). ایشان در ادامه می‌گوید: این فراز آیه (مَا أَغْنَى عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ) یعنی اینکه: «اگر قضای الهی این بود که چشم‌زخم به شما اصابت کند، من آن را نمی‌توانم دفع کنم» (همان).

فخر رازی در ذیل این آیه برای اثبات حق بودن چشم‌زخم به چند دلیل تمسک می‌کند؛ از جمله اینکه جمهور متقدمین از مفسران، ترس حضرت یعقوب را، از چشم‌زخم می‌دانند.

همچنین، روایات بسیاری را از رسول خدا ﷺ درباره حق بودن چشم‌زخم اشاره می‌کند. و نیز از حکما نقل می‌کند که گاهی تأثیر یک جسم به جسم دیگر، نفسانی محض است و نیازی به قوای جسمانی ندارد و چشم‌زخم جزء اینهاست (فخر رازی، ۱۳۵۷، ج ۱۸، ۱۷۴-۱۷۲).

قول دیگر اینکه، دستور حضرت یعقوب علیه السلام برای این بود که وارد شدن دسته جمعی برادران از یک دروازه مصر و قیافه‌های جذاب، حسد حسودان را برمی‌انگیخت. و یا، از ایشان حساب می‌بردند برای شکستن اتفاق‌شان توطئه می‌کردند و یا، ممکن بود که به قتل‌شان برسانند و یا بلای دیگری بر سرشان بیاورند (طباطبایی، ۱۳۹۱، ج ۱۱، ۲۱۸). برخی دیگر معتقدند: حضرت یعقوب می‌خواست یک دستور مهم اجتماعی به‌عنوان بدرقه راه به آنان بدهد و آن اینکه: گمشده خود را از یک در نجویند؛ بلکه از هر دری باید وارد شوند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۰، ج ۲۴، ۳۰).

آیه ۵ سورة فلق

قرآن می‌فرماید: «وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ».

برخی این آیه را دلیلی برای چشم‌زخم دانسته‌اند، چون حسادت را ریشه و عاملی برای چشم‌زخم می‌دانند. علامه طباطبایی در ذیل این آیه از قول برخی می‌نویسد: «چشم‌زخم نوعی حسد نفسانی و درونی است که شخص حسود با اظهار تعجب و حسادت از دیدن زیادتر از آنچه که پنداشته، باعث چشم‌زخم می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۹۱، ج ۲۰، ۵۵۰). میبیدی (۱۳۶۱، ج ۱۰، ۶۷۰).

طبرسی در ذیل آیه از قول برخی می‌نویسد: «پناه بردن به خدا از شر حاسد؛ یعنی از شر نفس و چشمش» (طبرسی، بی‌تا، ج ۱۰، ۵۶۹). در تفسیر نوین آمده است: «با این تفسیر و معانی که مفسران برای آیه کرده‌اند، استعاذه در این سوره مربوط به شورچشمی و چشم‌زخم حسود می‌باشد» (شریعتی، بی‌تا، ۴۲۴).

۴. راهکارهای پیش‌گیری و درمان چشم‌زخم

بعد از اینکه ثابت شد چشم‌زخم واقعیت دارد، به راهکارهایی برای پیش‌گیری و درمان آن اشاره می‌شود:

۴-۱. ذکر و یاد خدا و توکل بر او

اگر انسان در پیشامدهای ناگوار واقعاً به یاد خدا باشد و بر او توکل کند، هیچ آسیبی به او نمی‌رسد. درباره چشم‌زخم هم مهم‌ترین راه پیش‌گیری این است که به یاد خدا باشیم و بر او توکل کنیم.

علامه طبرسی در ذیل آیه ۶۷ سوره یوسف می‌گوید: «اینکه حضرت یعقوب می‌گوید من بر خدا توکل می‌کنم، علتش این است که توکل بر خدا فایده‌اش این است که خداوند قادر است انسان را از گزند چشم‌زخم حفظ کند» (طبرسی، بی‌تا، ج ۵، ۲۴۹). قرآن می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد» (رعد: ۲۸). گفتن بسم‌الله، استعاذه و اذکاری که ما را به یاد خدا می‌اندازد، در این زمینه مشکل‌گشاست.

به نظر قرآن، وقتی کسی بر خدا توکل کرد، چیزی از جمله چشم‌زخم بر او اثر نمی‌کند. آنجاکه می‌فرماید: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» چرا که او را بر کسانی که ایمان آورده‌اند، و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، تسلطی نیست» (نحل: ۹۹). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هرگاه از چشم‌زخم ترسیدی، بگو: ماشاء الله لاقوه الا بالله العلی العظیم ثلاثاً (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۳، ۲۶).

انس بن مالک روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ رَأَى شَيْئاً يَعْجِبُهُ فَقَالَ: «اللَّهُ الصمد، ماشاء الله لاقوه الا بالله»، لَمْ يَضُرْ شَيْئاً» (طبرسی، بی‌تا، ج ۱۰، ۵۶۹). در جای دیگر می‌فرمایند: بگوئید: «أمنت بالله و صلی الله علی محمد و آله»، پس از آن اثر چشمش خنثی می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۳، ۱۸).

۴-۲. خواندن آیات و سوره‌های قرآن

الف) خواندن معوذتین

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه بخواهید با هیئتی آراسته و چشم‌گیر از خانه بیرون روید، معوذتین (سوره‌های ناس و فلق) را بخوانید تا چشمی در شما اثر نکند» (همان، ج ۹۲، ۳۳۰). مردی از امام رضا علیه السلام در مورد چشم‌و نظر پرسید، حضرت فرمود: «چشم هم اثر دارد. اگر از ضرر چشم ترسیدی، کف دست را برابر صورت (حالت قنوت) بالا بیاور و بخوان

سوره‌های حمد، توحید، ناس و فلق را و دست را بر پیشانی ات بکش که به اذن خدا نفع بخشد» (همان، ۱۹۲).

(ب) خواندن آیه «و ان یکاد...»

خواندن و یا به همراه داشتن آیه «و ان یکاد» (قلم: ۵۱ و ۵۲) در رفع چشم‌زخم اثرگذار است. طبرسی در ذیل این آیه می‌نویسد: «دواء اصابة العين ان یقرأ الانسان هذه الایه» (طبرسی، بی‌تا، ج ۱۰، ۳۴۱).

(ج) آیت‌الکرسی، توحید، کافرون، جن

خواندن آیت‌الکرسی و سوره‌های کافرون، توحید و جن نیز در دفع چشم‌زخم مؤثر است (مجلسی، ۱۳۶۵، ج ۶۰، ۲۵). امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس بسیار سوره جن را بخواند، هرگز در زندگی دنیا چشم‌زخم، جن و سحر و جادو و مکر آنها به او نمی‌رسد و با محمد صلی الله علیه و آله همراه خواهد بود» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۲۵، ۹۸). مُعَمَّرِینَ خَلَاد می‌گوید: در خراسان مأمور خرید امام رضا علیه السلام بودم. روزی فرمودند تا برایشان عطر غالیه (عطری مرکب از چند ماده) تهیه کنم. وقتی آن را تهیه کردم، آن حضرت خوشحال شدند و به آن نگاه کرد و فرمودند: ای معمر! چشم‌زدن حق است، ورقی بردار و روی آن سوره‌های حمد، اخلاص، ناس، فلق و آیت‌الکرسی را بنویس و در غلاف شیشه عطر جای ده (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۳، ۲۵ و ۲۶).

(د) گفتن تبارک‌الله احسن الخالقین

امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که چیزی از برادرش او را متعجب ساخت، این جمله را بگوید (تبارک‌الله احسن الخالقین)، زیرا چشم‌زخم حق است (همان). شیهه همین روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است (احمد بن حنبل، ۱۴۱۳، ج ۳، ۴۴۷).

نقل شده است: در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله شخصی به نام سهل بن حنیف در مدینه برای شنا وارد استخر می‌شود. شخصی به نام عبدالله عامر ناظر این مسئله بوده و از دیدن بدن عریان او متعجب می‌شود و می‌گوید: تا به حال چنین بدنی لطیف و زیبا ندیده بودم. سهل دچار بی‌حالی و تب می‌شود و بیماری او شدت پیدا می‌کند. خود عامر نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفته و ماجرا را توضیح

می‌دهد و پیامبر ﷺ با لحنی خاص می‌فرماید: چرا آن زمان که متعجب شدی «تبارک الله احسن الخالقین» نگفتی؟! چشم زخم حقیقت دارد. سپس، حضرت به عامر دستور داد: وضو بگیرد. آن شخص وضو گرفت و سهل از کمند چشم زخم رهایی یافت (قرطبی، ۱۳۸۷، ج ۹، ۲۲۶).

۳-۴. صدقه دادن

صدقه دادن نیز انسان را از چشم زخم دور می‌کند. اگرچه روایتی در این خصوص وارد نشده است، ولی در روایت آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: «صدقه هفتاد نوع بلا را دور می‌کند که راحت‌ترین آن مرض برص و جذام است» (هندی، ۱۴۱۳، ج ۶، ۳۴۶ ش ۱۵۹۸۲). و در جای دیگر فرمود: «صدقه هفتاد در بلا را می‌بندد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۶، ۱۳۲). تردیدی نیست که یکی از بلاها مبتلا شدن به چشم زخم است. در نتیجه، صدقه می‌تواند چشم زخم را از انسان دور کند.

۴-۴. استفاده از تعویذات و رُقیه

تعویذ و رُقیه؛ یعنی پناه دادن، در پناه آوردن و نیز دعاهایی که بر کاغذ می‌نویسند و به گردن یا بازو می‌بندند برای دفع چشم زخم و رفع بلا و آفت. در حدیثی نقل شده است که: اسماء بنت عمیس خدمت پیامبر ﷺ عرض کرد: گاه به فرزندان جعفر چشم می‌زنند. آیا رُقیه‌ای برای آنها بگیرم؟ پیامبر ﷺ فرمود: نعم فلو كان شيء يسبق القدر لسبقه العين؛ آری مانعی ندارد؛ اگر چیزی می‌توانست بر قضا و قدر پیشی گیرد، چشم زدن بود (طبرسی، بی‌تا، ج ۱۰، ۳۴۱). در حدیث دیگری آمده است که: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: پیامبر ﷺ برای امام حسن و امام حسین علیه السلام «رُقیه» گرفت و این دعا را خواند:

«أُعِذُّكُمْ بِكَلِمَاتِ التَّامَةِ وَاسْمَاءِ اللَّهِ الْحَسَنِ كُلِّهَا عَامَّةً مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ عَيْنٍ لَامَةٍ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ؛ شما را به تمام کلمات و اسمای حسناى خداوند از شر مرگ، حیوانات موزی و هر چشم بد و حسود، آن گاه که حسد ورزد می‌سپارم» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۲۴، ۴۳۱).

در روایت آمده است که: جبرئیل برای پیامبر ﷺ دعای چشم زخم خواند و آن را این گونه به آن بزرگوار آموخت: «بسم الله ارقیک من کلّ عین حاسدٍ الله شیفیک؛ تو را از شرارت هر چشم حسودی به نام خدا پناه می‌دهم و خدا شفایت ارزانی دارد» (قزوینی، ۱۴۱۹، ج ۲، ۱۱۶۴).

علی علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «العين حق و الرقي حق؛ چشم‌زخم حق است و توسل به دعا برای دفع آن نیز حق است» (سیدرضی، حکمت ۴۰۰).

در روایات آمده است که: حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام فرزندان خود را با تعویذ از چشم‌زخم ایمن می‌ساختند (مجلسی، ۱۳۶۵، ج ۹۴، ۱۹۶).

در مفاتیح‌الجنان برای در امان ماندن از چشم‌زخم، خواندن این دعا توصیه شده است: «اللَّهُمَّ رَبَّ مَطَرٍ حَاسٍ وَ حَجَرٍ يَابِسٍ وَ لَيْلٍ دَامِسٍ وَ رَطْبٍ وَ يَابِسٍ رُدَّ عَيْنَ الْعَايِنِ عَلَيْهِ فِي كَيْدِهِ وَ نَخْرِهِ وَ مَالِهِ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَائِسًا وَ هُوَ حَاسِيرٌ» (شیخ عباس قمی، ۱۳۹۱ق، ۵۱۲).

اما اینکه «اسفند»، که در عربی به آن «خرمل» می‌گویند، برای درمان چشم‌زخم مفید باشد، روایت صحیحی در این باره وارد نشده است، اگرچه روایاتی به جنبه دارویی بودن این گیاه؛ مثل درمان بیماری‌های جسمی مانند جذام (مجلسی، ۱۳۶۵، ج ۵۹، ۳۲۴) و تقطیر بول (همان: ۱۸۸؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۶: ۴۴۶) اشاره و برای درمان برخی بیمارهای روحی؛ مثل ترس (مجلسی، ۱۳۶۵، ج ۵۹، ۲۳۴) سودمند دانسته شده است.

اما روایتی که می‌گوید: «در ریشه اسفند، نشره (دور کردن حسد) و در تنه آن شفای هفتاد و دو مرض است (کوفی، بی تا، ۲۴۴؛ تمیمی مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ۱۵۰؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ۴۶۰)، از لحاظ سند معتبر نیست.

برای موارد دیگری که درمان چشم‌زخم را کارهایی چون گذاشتن نمک در ماشین، شکستن تخم مرغ و نام بردن از افرادی که احتمال می‌دهند چشم زده است، گذاشتن تخم مرغ زیر چرخ‌های اتومبیل، استفاده از مهره‌های آبی، زدن به تخته، لمس کردن بدن چشم‌زخم خورده، استفاده از آئینه، تف کردن پشت چانه چپ، می‌دانند، هیچ سند و مدرک و دلیل معتبری نداریم و مورد تأیید عقل هم نیست.

۵. نتیجه‌گیری

آنچه در این تحقیق به دست آمده، این است که: از دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت چشم‌زخم خرافه نیست؛ بلکه آنان با استفاده از آیاتی از قرآن و روایات آن را ثابت می‌کنند و معتقدند قدرتی در برخی افراد وجود دارد که تأثیرگذار است و اندازه تأثیرگذاری بستگی

به افراد دارد و از دیدگاه آنان همان‌طور که این شورچشمی واقعیت دارد، راه‌هایی برای رفع و دفع آن نیز وجود دارد؛ از قبیل برخی از اذکار، صدقه‌دادن، قرائت برخی از آیات، نوشتن رقیه و...، در نتیجه این مسئله را باید جدی گرفت و درباره آن مواظبت نمود.



منابع:

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ قم: نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ق.
۲. ابی عبدالله محمد بن یزید قزوینی؛ *سنن ابن ماجه*؛ الطبعة الاولى، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۳. ابی عیسی، محمد بن عیسی؛ *سنن الترمذی*؛ الطبعة الاولى، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
۴. احمد بن حنبل؛ *مسند احمد*؛ بیروت: مکتبه اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۵. برهان، محمدحسین بن خلف تبریزی؛ *برهان قاطع*؛ تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷ش.
۶. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد؛ *دعائم الاسلام*؛ مصر: دارالمعارف، ۱۳۸۵ق.
۷. جوادی آملی، عبدالله؛ *تسبیح تفسیر قرآن کریم*؛ قم: مرکز نشر اسرا، ۱۳۷۹ش.
۸. رازی، فخرالدین؛ *التفسیر الکبیر*؛ قاهره: البیة المصریه، ۱۳۵۷.
۹. رُخشاد، محمدحسین؛ *در محضر علامه طباطبائی*؛ قم: سماء قلم، ۱۳۸۲ش.
۱۰. زمخشری، محمود بن عمر؛ *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل*؛ بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۱۱. سیوطی، عبدالرحمن جلال‌الدین؛ *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*؛ بیروت: دارالمعرفه للطباعة و النشر، بی‌تا.
۱۲. شریعتی، محمدتقی؛ *تفسیر نوین*؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی‌تا.
۱۳. صدر حاج سیدجوادی، احمد؛ *دایرة المعارف تشیع*؛ تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۹۱ش.
۱۴. طباطبائی، سید محمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷ق.
۱۵. _____؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ قم؛ موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۱ق.
۱۶. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن؛ *تفسیر جوامع الجامع*؛ قم و تهران: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم و موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
۱۷. _____؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی‌تا.
۱۸. طبری، محمد بن جریر؛ *تفسیر طبری (جامع البیان فی تفسیر القرآن)*؛ تهران: چاپخانه دولتی ایران، ۱۳۴۰ش.
۱۹. عمید، حسن؛ *فرهنگ فارسی عمید*؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳ش.
۲۰. فیض کاشانی، ملامحسن؛ *تفسیر الصافی*؛ تحقیق حسین اعلمی؛ تهران: صدر، ۱۴۱۵.
۲۱. قرطبی، محمد بن احمد؛ *الجامع لاحکام القرآن (تفسیر القرطبی)*؛ قاهره: دارالکتب العربی، ۱۳۸۷ق.
۲۲. قمی، شیخ عباس؛ *مفاتیح الجنان*؛ تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، ۱۳۹۱ق.
۲۳. کاشانی، فتح‌الله؛ *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*؛ تهران: اسلامیه، ۱۳۴۴ق.
۲۴. کوفی، محمد بن محمد؛ *الجفریات*؛ تهران: مکتبه نینوی الحدیثه، بی‌تا.
۲۵. مجلسی، محمد باقر؛ *بحار الانوار لجامعه لدُرر اخبار الائمة الاطهار*؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۶. المحلی، جلال‌الدین احمد و السیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *تفسیر الجلالین*، دمشق، دار الکلم الطیب، ۱۴۲۸ق.
۲۷. مصاحب، غلام حسین؛ *دایرة المعارف فارسی*؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ *تفسیر نمونه*؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
۲۹. المیبدی، ابو الفضل رشیدالدین؛ *کشف الاسرار، و عده الابوار*؛ تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱.

۳۰. نوری، حسین؛ *مستدرک الوسائل*؛ قم: مدرسه آل البيت، ۱۴۰۸ق.

۳۱. هندی، علاء الدین؛ *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*؛ بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۱۳هـ.

References

- *The Noble Qur'an*.
- Nahj ol-Balaghah.
- Abi Abd ol-Lah, Muhammad bin Yazid Qazwini (1419 A.H). *Sonan ibn Majeh*. 1st Ed., Beirut: Dar al-Kitab al-Elmiah.
- Abi Isa, Muhammad bin Isa (1421 A.H). *Sonan at-Tarmazi*. 1st Ed., Beirut: Dar al-Kitab al-Elmiah.
- Ahmad bin Hanbal (1413 A.H). *Mosnad Ahmad*. Beirut: Maktabah Islami.
- Al-Mahalli, Jalal ed-Din Ahamd & Suyuti, Jalal ed-Din Abd or-Rahman (1428 A.H). *Tafsir al-Jalalin*. Damascus: Dar al-Kalam at-Tayyeb.
- Amid, Hasan (1363 S.H). *Farhang Farsi Amid (Amid Persian Dictionary)*. Tehran: Amir Kabir.
- Borhan, Muhammad Hussain bin Khalf Tabrizi (1357 S.H). *Borhan Qate'*. Tehran: Amir Kabir.
- Feiz Kashani, Mulla Mohsen (1415 A.H). *Tafsir as-Safi*. Researched by Hossein A'lami, Tehran: Sadr.
- Hendi, Ala' ed-Din (1413 A.H). *Kanz ol-Ommal fi Sonan al-Aqval val-Af'al*. Beirut: Ar-Risalah.
- Ibn Manzur, Muhammad bin Mukram (1405 A.H). *Lesan ol-Arab*. Qom: Adab-e Howzeh.
- Javadi Amoli, Abd ol-Lah (1379 S.H). *Tasnim (Exegesis of the Qur'an)*. Qom: Asra'.
- Kashani, Fath ol-Lah (1344 S.H). *Monhaj as-Sadeqin fi Elzam al-Mokhalefin*. Tehran: Islamiah.
- Kufi, Muhammad bin Muhammad (N.D). *Al-Ja'fariat*. Tehran: Ninawi al-Hadith School.
- Majlesi, Muhammad Baqer (1403 A.H). *Bahar ol-Anwar le-Jame'ah led-Dorar Akhbar al-A'emmah al-Athar*. Beirut: Dar Ehya' at-Turath al-Arabi.
- Makarim Shirazi, Naser et. al. (1375 S.H). *Tafsir Nemoone*. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamia.
- Masaheb, Gholm Hosein (1380 S.H) *Daerat ol-Ma'aref Farsi (Persian Dictionary)*. Tehran: Amir Kabir.
- Meibudi, Ab ol-Fazl Rashid od-Din (1371 S.H). *Kashf ol-Asrar va Uddat ol-Abrar*. Tehran: Amir Kabir.
- Nuri, Hussain (1408 A.H). *Mostadrak ol-Vasa'el*. Qom: Al al-Bayt.
- Qomi, Sheikh Abbas (1391 S.H). *Mafatih ol-Janan*. Tehran: Elmiah Islamiah.
- Qurtubi, Muhammad bin Ahmad (1387 S.H). *Al-Jami' le-Ahkam al-Qur'an* (Tafsir al-Qurtubi). Cairo: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Razi, Fakhr ed-Din (1357 S.H). *At-Tafsir al-Kabir*. Cairo: Al-Bahiah al-Misriah.
- Rokhshad, Muhammad Hussain (1382 S.H). *Dar Mahzar Allameh Tabatabaai*. Qom: Sama' Qalam.
- Sadr Haj Seyed Javadi, Ahmad (1391 S.H). *Da'erat ol-Ma'aref Tashayyo'*. Tehran: Hekmat.
- Shari'ati, Muhammad Taqi (N.D). *Tafsir Nowin*. Tehran: Daftar Nashr Farhang Islami.
- Suyuti, Abd ar-Rahman Jalal ad-Din (N.D). *Ad-Dur al-Manthur fi at-Tafsir bel-Ma'thur*. Beirut: Dar ol-Ma'rifah let-Tiba'ah van-Nashr.
- Tabari, Muhammad bin Jarir (1340 S.H). *Tafsir Tabari (Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an)*. Tehran: Iran Governmental Press.
- Tabarsi, Abu Ali al-Fazl bin al-Hasan (1371 S.H). *Tafsir Javame' al-Jame'*. Qom & Tehran: Management Center for Hawzah Elmiah in Qom & Tehran University Press.
- Tabarsi, Abu Ali al-Fazl bin al-Hasan (N.D). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Maktabah al-Elmiah al-Islamiah.
- Tabatabaai, Seyed Mohammad Hussein (1397 S.H). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiah.
- Tabatabaai, Seyed Mohammad Hussein (1397 S.H). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Journalistic Institute of Isma'ilian.
- Tamimi Maghrebi, Na'man bin Muhammad (1385 S.H). *Da'aem al-Islam*. Egypt: Dar ol-Ma'aref.
- Zamakhshari, Mahmud bin Umar (N.D). *Al-Kashshaf an Haqa'iq Ghavamiz at-Tanzil va Uyun al-Aqawil fi Vojuh at-Ta'wil*. N.P: N.P.